

مکان و تأثیر آن بر حیات بنگاه (تجاری از بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در ایران)

محمد علی فیض‌پور¹

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و

حسابداری دانشگاه یزد

هانیه پوشدووزباشی²

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: 1395/4/21 تاریخ پذیرش: 1396/6/20

چکیده

برقراری توازن و تعامل اقتصادی و استفاده از مناطق مختلف فراخور استعدادهای منابع انسانی و مواهب طبیعی هر منطقه یکی از جلوه‌های توسعه پایدار در هر کشور است. این موضوع اگرچه در مورد تمامی بخش‌های اقتصادی موضوعیت دارد، اما در ایران و در مورد بخش صنعت اهمیت دوچندان می‌یابد. شواهد نشان‌دهنده آن است که در هر سال علی‌رغم ورود تعداد زیادی از بنگاه‌های جدید به این بخش، تعداد زیادی نیز در سال‌های ابتدایی ورود از فعالیت خارج گردیده‌اند. اما بر اساس مطالعات موجود در میان عوامل مؤثر بر دوره حیات بنگاه‌های اقتصادی، مکان استقرار آن از اهمیت اساسی برخوردار بوده است؛ از این رو، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر مکان بر دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشور طراحی شده است. داده‌های این مطالعه از مرکز آمار ایران تهیه گردیده و با استفاده از روش رگرسیونی پروبیت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج بیانگر تأثیر معنی‌دار مکان بر دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنایع نساجی ایران و به‌نفع استان‌های توسعه‌نیافته صنعتی نسبت به دیگر استان‌ها است. تمایز تأثیر مکان بر دوره حیات در گروه استان‌های همگن از حیث توسعه‌یافتگی یا توسعه نیافتگی نیز تنها در گروه استان‌های توسعه یافته قابل مشاهده است. از نظر سیاست‌گذاری این یافته‌ها بیانگر

1- m.a.feizpour@yazd.ac.ir

2 - نویسنده مسئول: H.poushdouz@gmail.com

لزوم توجه به عامل مکان در استقرار بنگاه در سطح کلی و حتی در میان استان‌های همگن از حیث سطح توسعه صنعتی با توجه به نوع بنگاه مورد نظر و زمینه فعالیت آن (و در این مطالعه صنعت نساجی) است.

کلید واژه‌ها: مکان بنگاه، دوره حیات، بنگاه‌های جدیدالورود، صنعت نساجی، صنایع تولیدی ایران.

مقدمه

با توجه به ادبیات موجود در اقتصاد صنعتی، بنگاه‌های جدیدی که فعالیت خود را آغاز می‌نمایند (بنگاه‌های جدیدالورود^۱) در اولین سال‌های ورودشان با ریسک بالایی از شکست روبرو می‌شوند و تنها تعداد معدودی قادرند به فعالیت خود ادامه دهند (Hoogstra & Dijk, 2004: 181). مشکلات راه‌اندازی، ساختار سازماندهی و توان رقابت مؤثر با رقبای دیگر از عمده‌ترین دلایلی است که منجر به وجود شکست زودهنگام بنگاه‌های جدیدالورود می‌شود. اما ادبیات موجود در این حوزه، موفقیت بنگاه در بقای در فعالیت و یا عدم آن را تا حدودی وابسته به تأثیر عوامل خارجی از جمله میزان سرمایه‌گذاری در محل استقرار بنگاه، زیرساخت‌های حمل و نقل و دسترسی به آن‌ها، سهولت دستیابی به مولدهای گوناگون نیرو، سیاست‌های دولت، دسترسی به بازار فروش کالا و هم‌چنین نزدیکی به مواد خام اولیه دانسته‌اند. مواردی که در مجموع در قالب ویژگی‌های محیطی شناخته شده و همگی در عنصر مکان یک بنگاه گنجانده می‌شود (همان، ۲۰۰۴). از این‌رو است که تعیین محل بنگاه‌های اقتصادی قبل از شروع فعالیت، یکی از کلیدی‌ترین گام‌های تأسیس بنگاه بوده و از نظر اقتصادی نقش مهمی در میزان سرمایه‌گذاری اولیه و قیمت تمام شده ایفا می‌نماید. نتایج حاصل از تصمیم‌گیری مکان بنگاه که در درازمدت ظاهر می‌شود، اثرات بسزایی را از بعد اقتصادی، محیط زیست، مسائل اجتماعی و در مجموع

۱- در این پژوهش اصطلاح بنگاه جدید (New firm) به بنگاهی اطلاق می‌شود که اطلاعات مربوط به آن از طریق سرشماری مرکز آمار جمع‌آوری گردیده و برای اولین بار و به صورت سالانه در پایگاه داده‌ای این مرکز ایجاد شده باشد. این نیز تنها زمانی محقق می‌گردد که در زمان سرشماری بنگاه مورد نظر در حال بهره‌برداری باشد. از سوی دیگر، در بخش صنعت ایران هر بنگاه صنعتی موظف به اخذ دو مجوز است: جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری. بنگاه جدیدالورود عملاً بنگاهی است که پروانه بهره‌برداری را دریافت نموده باشد.

جنبه‌های برون‌سازمانی در پی دارد که تأثیر مستقیم آن در سوددهی بنگاه و جنبه‌های درون‌سازمانی آن بنگاه است. از این‌رو، در سال‌های اخیر مطالعات مکان‌یابی صنعتی به عنوان یکی از عناصر کلیدی موفقیت و بقای مراکز صنعتی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی مورد توجه بسیار قرار گرفته است (Pakdel fard, 2010). مکان‌یابی صنعتی از طریق توانایی کسب و حفظ توان رقابتی می‌تواند کاهش هزینه‌ها و موفقیت واحدهای صنعتی را در پی داشته باشد. در بررسی مشاغل زودبازده مشخص شده است که بیش از ۵۰ درصد آنها در سال اول و حدود ۳۰ درصد آنها پس از دو سال، ورشکسته می‌شوند و به شغل دیگری رو می‌آورند. با اینکه در آغاز راه‌اندازی این مشاغل، تمام جوانب ارائه خدمات بررسی می‌شود ولی بی‌توجهی به مسئله مهم مکان سبب می‌شود تا واحد تولیدی به سوددهی موردنظر نرسد و از رسیدن به هدف خود باز ماند (Pakdel fard, 2010). از این‌روست که در حوزه ادبیات اقتصاد صنعتی تحلیل‌های منطقه‌ای در جریان اصلی حیات و بقای بنگاه‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته است (Fotopoulos & Louri, 2000: 311). بنابراین و با توجه به اهمیت بخش صنعت در اقتصاد ایران به عنوان محور توسعه و صنعت نساجی به عنوان یکی از اصلی‌ترین صنایع کشور، این مطالعه می‌کوشد تا عوامل مؤثر بر دوره حیات بنگاه‌های این صنعت را با تأکید بر نقش مکان استقرار آنها طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۵ مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا، مطالب این مقاله در شش بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، بخش دوم به بررسی مبانی نظری اختصاص یافته است. پیشینه پژوهش در بخش سوم ارائه گردیده و داده‌ها و روش تحقیق موضوع بخش چهارم است. معرفی مدل و نتایج به دست آمده، همچنین بحث در مورد این نتایج در بخش پنجم آورده شده است. در نهایت بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی است.

مبانی نظری پژوهش

ادبیات اقتصاد صنعتی، عوامل ساختاری تعیین‌کننده‌ای را بر دوره حیات یک بنگاه مؤثر دانسته و به بیان آنها می‌پردازد (Nafziger & Terrell (1996), Santarelli (2000), Hansen et al., (2004)). اما نکته قابل توجه در این حوزه، زمان خروج و به‌ویژه بنگاه‌های جدیدالورود است که خروج آنها عواقب زیادی را به دنبال خواهد داشت. بر اساس این ادبیات، آسیب‌پذیری بیشتر بنگاه‌های جدیدالورود نسبت به بنگاه‌های موجود بدین دلیل است که آنها باید بتوانند در یک

دوره زمانی مطمئن و قبل از حصول سودآوری بنگاه فعالیت خود را ادامه دهند. از سوی دیگر، بنگاه‌های مسن‌تر نیز به دلیل عدم انعطاف‌پذیری ناشی از پیری و روبرویی با مسائلی از قبیل فرسایش تکنولوژی و عدم توانایی در رقابت‌پذیری با محصولات دیگر بنگاه‌ها تا حدودی با احتمال خروج روبرو هستند (Fritsch et al., 2006: 286). از این رو است که معمولاً براساس ادبیات این حوزه فرض می‌شود صنایعی که حداقل اندازه بهینه بنگاه برای حصول سودآوری در آنها کوچک‌تر است، از نرخ‌های بقای بالاتری برخوردارند. علاوه بر این، تراکم سرمایه بالا در یک صنعت نیز مانعی برای نرخ‌های بقای بالاتر بنگاه‌های جدید است. چه آنکه با توجه به مقدار نسبتاً زیادی از منابع موجود، بنگاه‌های جدیدالورود برای رسیدن به حداقل اندازه بهینه نیازمند صرف هزینه‌های بیشتری هستند. نوآوری نیز عامل دیگری است که موجبات تمایز در ادامه فعالیت و بقای بنگاه‌های جدیدالورود را فراهم می‌نماید. درحالی که بر اساس تئوری‌های موجود، صنایع نوآور به طور متوسط دارای نرخ رشدی بالاتر از نرخ متوسط هستند، سطح بالای فعالیت‌های نوآورانه در این صنایع، ورود در آن صنعت را با ریسک بیشتری مواجه نموده و دارای تأثیری منفی بر بقای بنگاه‌های جدیدالورود است؛ رابطه‌ای که در مورد نوع تکنولوژی بنگاه‌ها نیز برقرار و تعریف شده است. تعداد بنگاه‌های موجود در یک صنعت و نرخ ورود از دیگر شاخص‌های بیان‌کننده سطح رقابت است. وجود تعداد زیادی از بنگاه‌ها در صنعت، مانعی در مقابل ورود بنگاه‌ها محسوب شده و از این رو، دارای تأثیری منفی بر بقای بنگاه‌های جدیدالورود است. نرخ ورود بالا نیز در یک صنعت بیانگر شدت رقابت بوده و نرخ بالای شکست بنگاه‌ها را در پی خواهد داشت.

اگرچه اکولوژی صنعتی در تحقیقات تجربی مرتبط با بنگاه‌های صنعتی از اواخر دهه ۱۹۹۰ به سرعت در مسائلی مانند ورود و خروج بنگاه‌ها و عملکرد پس از ورود رشد یافت، اما ابعاد مکانی در تجزیه و تحلیل‌های اولیه این حوزه در نظر گرفته نمی‌شد. ورود ابعاد مکانی به این حوزه را می‌توان سال ۱۹۹۴ و توسط مطالعه اودریچ^۱ در این حوزه عنوان نمود. با این همه، تأثیر ابعاد مکانی بر ورود بنگاه‌ها و ادامه فعالیت آنها موضوعی مهم و غیرقابل انکار است. بررسی مفاهیم مکانی

۱- Audretsch

یکی از گرایش‌های ادبیات اقتصادی است که سعی می‌کند تا الگوهای مکانی ورود و خروج بنگاه‌ها را توضیح دهد. اگرچه در مطالعات مربوط به عملکرد بنگاه‌ها، به بحث مکان نسبت به سایر عوامل کمتر پرداخته شده است (Fritsch et al., 2006)، اما این نکته قابل توجه است که اغلب مطالعات انجام شده، موفقیت بنگاه را تا حدودی وابسته به تأثیر عوامل خارجی دانسته و این عوامل در قالب ابعاد مکانی قابل تبیین است (Hoogstra & Dijk, 2004: 181). مکانی که هر بنگاه در آن استقرار می‌یابد، عوامل متعددی را در بر می‌گیرد که آن عوامل نسبت به مکانی که بنگاه دیگر در آن استقرار یافته، متمایز بوده و نمایانگر نیروهای خارجی اثرگذار بر روی عملکرد فردی هر بنگاه می‌باشد. در این حوزه نظریه‌های متعددی وجود دارد. نظریه رشد درون‌زای منطقه‌ای یکی از آنها است که فرض می‌کند با توجه به تحرک سرمایه و نیروی کار، تفاوت‌های مکانی ناشی از تکنولوژی در بلندمدت ناپدید خواهد شد. این در حالی است که نظریه‌های جغرافیایی اقتصادی جدید در تضاد با این نظریه است و تفاوت‌های منطقه‌ای ماندگار را توضیح داده و بیان‌گر این است که اگرچه دانش تکنولوژی می‌تواند در هر کجا قابل دسترس باشد، اما تنها مکان‌هایی که از نیروی کار ماهر برخوردارند توانایی استفاده از تکنولوژی را دارند. چه آنکه سرمایه انسانی یک عنصر مهم در تعیین توانایی یک منطقه برای تولید و پیشرفت تکنولوژی است (همان). در این رابطه مفهوم حاشیه‌های مکانی سودآوری^۱ نیز توسط اسمیت معرفی شده است که بر اساس این تئوری، یک بنگاه مکانی را انتخاب می‌کند که در آن مکان بتواند سودش را ماکزیمم نماید (Smith, 1996: 106). از سوی دیگر، پویایی در فضای اقتصادی یک بنگاه ممکن است موجب گردد تا مکان یک بنگاه در طول زمان برای تبدیل به مکان مطلوب تغییر کند. البته این به معنی آن نیست که یک بنگاه همواره حرکت‌های مداوم دارد، چه آنکه تغییر مکان خود نسبتاً هزینه‌بردار است. بنابراین، بر اساس تئوری حاشیه سودآوری، بنگاه‌ها در مکان‌های غیربهبینه استقرار خواهند یافت تا به حاشیه‌های مکانی سودآوری دست‌یابند. در این حوزه نیز دو تئوری مراکز رشد داخل شهری^۲ و جداسازی مرحله‌ای^۳ وجود دارد. بر اساس تئوری نخست،

۱- Spatial Margins to Profitability

۲- inner-city incubator

۳- filtering-down

نرخ ورود در مناطق بزرگ شهری به دلیل صرفه‌های خارجی ناشی از مجاورت عرضه‌کننده و مشتری و نیز سرعت گردش اطلاعات بیشتر است. اگرچه مناطق بزرگ شهری برای ورود اولیه بنگاه در مقابل سایر مناطق ارجح‌تر است، پس از رشد بنگاه و درونی‌شدن خدمات مؤثر، مناطق بزرگ شهری برای استقرار بنگاه کمتر اهمیت می‌یابد. از این‌رو، تئوری جداسازی مرحله‌ای مناطق بزرگ شهری را در حالی برای ورود بنگاه‌ها به دلیل قابلیت نوآوری، تنوع نیروی کار متخصص، تعامل بنگاه‌ها با یکدیگر و عواملی از این قبیل پیشنهاد می‌نماید که این تئوری معتقد است پس از تکامل محصولات و نزدیک شدن فرآیند بنگاه به سطح استاندارد، تمایل طبیعی بنگاه بیشتر به گریز از محیط‌های پرمخاطره و استقرار در مناطق حومه با پیچیدگی کمتر است (Fotopoulos & Louris, 2000:313). در تأیید این موضوع، شهرهای بزرگ به پرورشگاهی برای بنگاه‌های جدیدالورود تشبیه شده است که در صورت عدم جابجایی بنگاه، ثابت در همان مکان اولیه پس از رشد بنگاه به مرگ آن بنگاه منجر می‌گردد (همان). از این‌رو، با توجه به مبانی نظری و شواهد موجود، مکان بنگاه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌ها و یا محدودیت‌ها به طور سیستماتیک بر توانایی بنگاه‌ها در بقای در فعالیت و رشد آن‌ها تأثیرگذار بوده و از این‌رو، عملکرد بنگاه‌ها پس از ورود همواره تحت تأثیر اندازه و تراکم اقتصادی مکانی که در آن استقرار یافته‌اند، قرار خواهد گرفت. بنابراین و با توجه به مبانی نظری موجود، دیدگاه واحدی در زمینه تأثیر مکان بر عملکرد بنگاه و بویژه بنگاه‌های جدیدالورود وجود نداشته و تئوری‌های این حوزه موضوع را از زوایای متفاوتی مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند. از این‌رو، بررسی پذیرش یا عدم پذیرش تئوری‌های مذکور در محدوده جغرافیایی هر کشور به مطالعات تجربی و مکرر در طول زمان نیاز داشته و مطالعه حاضر نیز با این نگاه در فضای بخش صنعت اقتصاد ایران طراحی شده است.

پیشینه پژوهش

در ادبیات اقتصاد صنعتی بقای بنگاه اولین مسئله فرعی و مقدمه‌ای برای رشد بنگاه است و تا پیش از مطالعات این حوزه تنها بنگاه‌هایی با توانایی رشد مورد بررسی قرار می‌گرفته‌اند. در نهایت در اواخر دهه ۱۹۹۰ بقا به عنوان یک موقعیت مستقل ثبت و زمینه انجام تحقیقات تجربی فراوانی را در این حوزه فراهم نمود (Fotopoulos & Louris, 2000:312). شاید بتوان سال ۱۹۸۷ را اولین سال شروع انجام مطالعات دوره‌ای در حوزه بقا و دوره حیات بنگاه‌ها و کشور آمریکا را محل

بسط و توسعه این موضوع تلقی کرد. پس از آنکه در اواخر دهه ۱۹۹۰ در مطالعات متعدد به بررسی بقای بنگاه‌ها پرداخته شد، اهمیت تأثیر و نقش مکان در بقای بنگاه‌ها در سال ۱۹۹۴ به شدت مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفت. Audretsch در این سال در مطالعه‌ای با همکاری فریچ، به بررسی تأثیر مکان بنگاه‌های جدید در ۷۵ منطقه از آلمان غربی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به دلیل ارتباط متقابل مصرف‌کننده و تولیدکننده مزیت نزدیکی محل استقرار بنگاه موجب شده تا بیشتر بنگاه‌های جدید در مناطق نزدیک‌تر به مصرف‌کنندگان فعالیت خود را شروع کرده و موجب تمرکز فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. «تشکیل بنگاه جدید و توسعه منطقه‌ای»^۱ مطالعه (Garofli (1994) در ایتالیا است که در آن تمایزات منطقه‌ای در شکل‌گیری بنگاه‌های جدید ایتالیایی سال‌های (۱۹۸۷-۱۹۹۱) مورد بررسی قرار گرفته و متغیرهای اجتماعی-اقتصادی آزمون شده است. نتایج بدست آمده بیانگر این است که ساختار تولید (و عمدتاً محل تخصصی تولید)، اندازه بنگاه، ساختار اجتماعی و ساختار اشتغال حرفه‌ای، مهم‌ترین متغیرهای توضیحی برای تشکیل بنگاه جدید (و برای تمایز منطقه‌ای) محسوب می‌گردد. همچنین رابطه قوی بین محیط اجتماعی-اقتصادی و توسعه محلی بر نقش اقتصادهای خارجی در فرآیند توسعه درون‌زا تأکید کرده و سرمایه‌گذاری در بهبود محل استقرار بنگاه‌ها نقش مهمی را در ایجاد بنگاه‌های جدید و رشد آن ایفا می‌نماید. علاوه بر مطالعات نام‌برده، مطالعه Wagner & Gerlach، مطالعه Guesnier و مطالعه Keeble & Walker از دیگر مطالعات انجام‌شده در حوزه نقش مکان در ورود بنگاه‌های جدید در سال ۱۹۹۴ است. مطالعه (Louri & Anagnostaki (1995) بر تخمین عوامل تعیین‌کننده ورود و تفاوت‌های بین منطقه‌ای در صنایع یونان طی سال‌های ۸۷-۱۹۸۴ متمرکز گردیده است. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که ورود بنگاه‌های جدید در آتن به دلیل عواملی مانند سودآوری و افزایش رقابت کمتر از سایر مکان‌ها است. در مقابل، ورود در سایر مکان‌های کشور به شدت در ارتباط با سودهای مورد انتظار بوده و با هزینه‌های نسبی نیروی کار و تفاوت در تهدیدات رقابت بین‌المللی ارتباط منفی دارد. همچنین زمانی که بنگاه‌های بزرگ‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرند، نرخ تمرکز تأثیری منفی را نشان می‌دهد.

۱- New Firm Formation and Regional Development: The Italian Case

موضوعی که علت آن امکان تبانی بنگاه‌های بزرگ بیان شده است، در حالی که بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتر از بنگاه‌های بزرگ قیمت‌پذیر بوده و این روش سود کافی را برای آنها ضمانت می‌کند. در نهایت نتایج بدست آمده تا حدودی جنبه‌های توسعه منطقه‌ای را توجیه می‌کند. Spilling (1996) نیز در این حوزه به مطالعه تفاوت‌های منطقه‌ای در تشکیل بنگاه‌های جدید^۱ نروژ طی سال‌های ۹۲-۱۹۸۸ در بخش خصوصی پرداخته است. در طول این دوره در مجموع ۸۸۰۰۰ بنگاه جدید شروع به فعالیت نموده‌اند که در ۱۰۴ منطقه و با نرخ‌های ورود متفاوت پراکنده شده‌اند. بر اساس نتایج، الگوی تفاوت‌های منطقه‌ای برای صنایع مختلف متفاوت بوده و تحلیل‌های رگرسیونی و همبستگی تغییرات معنی‌دار و قابل توجهی را در نرخ‌های ورود بنگاه‌ها نشان می‌دهد. هم‌چنین، ساختار صنعتی موجود از جمله تراکم کسب و کار، سهم بنگاه‌های کوچک و سطح تمرکز صنعت بیشترین تفاوت‌های معنی‌دار منطقه‌ای را فراهم کرده و مهم‌ترین عوامل به‌شمار می‌رود. در مطالعه دیگری که در این زمینه توسط فوتوپولوس و اسپنس^۲ (۱۹۹۹) انجام شده تفاوت‌های منطقه‌ای در ورود بنگاه‌های صنعتی جدید یونان طی سال‌های ۹۱-۱۹۸۰ بررسی شده است. یافته‌های این مطالعه که مؤید نتایج سایر مطالعات نیز می‌باشد بیانگر آن است که تعداد بنگاه‌های کوچک موجود، عرضه نیروی کار ماهر، بهره‌وری نیروی کار و ثروت در مناطق مختلف تفاوت‌های معنی‌داری را نشان می‌دهند و تأثیری مثبت بر تشکیل بنگاه‌های جدید دارند. Fotopoulos & Louri (2000) نیز در مطالعه خود بنگاه‌هایی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را در یونان شروع نموده‌اند تا سال ۱۹۹۲ پی‌گیری نموده و با استفاده از مدل مخاطره^۳ نقش مکان را در بقای آنها مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج بدست آمده بیانگر تأثیر مثبت مکان بر بقا، به ویژه در مورد بنگاه‌های کوچک‌تر است. تأثیر متغیرهای دیگر بنگاه مانند اندازه جاری، سودآوری، نسبت بدهی به دارایی، سرمایه و رشد نیز بر بقا از دیگر نتایج این مطالعه است که تأثیر آنها در زمان رکود نسبت به سایر زمان‌ها بیشتر است. Gaygısız & Köksal (2003) تأثیر

۱- Regional Variation of New Firm Formation

۲- Fotopoulos, G. and N. Spence

۳- hazard model

تفاوت‌های منطقه‌ای را در بنگاه‌های جدیدالورود ترکیه با استفاده از داده‌های پنل و مقطعی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج حاصل از تخمین‌های این مطالعه تراکم جمعیت و سهم نیروی کار تکسین را به عنوان عوامل مثبت و نرخ رشد واقعی GDP سالانه به ازای هر واحد سرمایه و نرخ بیکاری را عوامل منفی مؤثر بر بقا معرفی می‌نماید. بر اساس نتایج بدست آمده، مناطق شهری مهم‌ترین علت تفاوت‌های منطقه‌ای در تشکیل بنگاه‌های جدید ترکیه است. نتیجه‌ای که مؤید تئوری مراکز رشد شهری^۱ است. (Fritsch, bixy & Falck (2006) با استفاده از تحلیل‌های چندبعدی به بررسی تأثیر صنعت، منطقه و زمان بر بقای بنگاه‌های جدیدالورود آلمان غربی در سال‌های ۱۹۸۳-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده، فرصت بقای بنگاه‌های جدیدالورودی که دارای حداقل اندازه بهینه بالا و نرخ ورود بالا در هر منطقه هستند، کمتر از سایر بنگاه‌ها بوده و ویژگی‌های منطقه‌ای نقش مهمی را در بهبود نتایج تخمین ایفا می‌نمایند. در نتیجه، پژوهشگران این مطالعه پیشنهاد می‌نمایند تا تحلیل‌های تجربی بقای بنگاه‌ها در سطح محل استقرار بنگاه محاسبه و بررسی گردد. (Buenstorf & Guenther (2007) فرصت بقای بنگاه‌های شرکت ماشین ابزار را بعد از نقل مکان اجباری ناشی از جنگ جهانی دوم از آلمان شرقی بررسی نمودند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، اقتصادهای متراکم نقش تعیین‌کننده مهمی را در محل استقرار بنگاه ایفا می‌کنند. بر این اساس، بنگاه‌ها بعد از جابجایی باید قادر باشند تا تخصص خود را قبل از جنگ پیاده کرده و عملکرد بهتری را نسبت به بنگاه‌هایی که در محل جدید وارد می‌شوند از خود نشان دهند. نتیجه قابل توجه این مطالعه آن است که بنگاه‌هایی که در محل اولیه‌شان قبل از جنگ باقی مانده‌اند، رفتار مشابهی را با بنگاه‌هایی که تغییر مکان داده‌اند، نشان داده‌اند. این در حالی است که هم بنگاه‌هایی که تغییر مکان داده‌اند و هم بنگاه‌های جدیدالورود، در ابتدا از اقتصاد متراکم سودی نبرده‌اند. در یکی از مطالعات این حوزه که در سال ۲۰۰۸ توسط Tamvada & Audretsch و با استفاده از اطلاعات بنگاه‌های جدیدالورود هند صورت گرفته، توزیع اندازه اولیه بنگاه‌ها در سراسر مکان‌های جغرافیایی بررسی شده است. نتایج بدست آمده بیانگر تأثیر قابل توجه مکان بنگاه‌ها بر ورود و اندازه آنها در زمان ورود بوده و نشان می‌دهد که مناطق بیشتر توسعه یافته

شرایط آسان‌تری را برای ورود بنگاه‌های جدید فراهم می‌نماید. علاوه بر مطالعات مذکور مطالعات دیگری نیز در سال‌های اخیر صورت گرفته است. به عنوان نمونه، Sharif & huang (2012) استراتژی نوآوری و بقای بنگاه‌ها را در مناطق مختلف هنگ کنگ بررسی نموده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که در محیط تولید در حال تغییر استان گوانگدونگ، کسب و کارهایی که سهم بیشتری را در فروش محصولات جدید در چین دارند، با احتمال بیشتری در فعالیت باقی می‌مانند. (Loof & Nabavi (2014) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر موقعیت واقعی و سرمایه‌گذاری‌های جدید بر بقا، بهره‌وری و رشد سرمایه‌گذاری‌های جدید در مکان‌های مختلف در سوئد و در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، تفاوت قابل توجهی در عملکرد بنگاه‌ها پس از ورود به بخش تولید و خدمات در مناطق مختلف مورد بررسی وجود دارد. (Huggins et al., (2017 نیز در جدیدترین مطالعات این حوزه به بررسی رابطه کارآفرینی و عوامل تعیین‌کننده بقای بنگاه در مناطق پرداخته‌اند. آن‌ها به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه نظریه‌های مربوط به سرمایه انسانی، انگیزه رشد و موقعیت‌های محلی می‌تواند بقای در یک منطقه را توضیح دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد هر کدام از این سه نظریه ناشی از انتخاب‌های استراتژیک بنگاه‌ها هستند و بر میزان بقا تأثیر می‌گذارند. همچنین محیط محلی باعث افزایش احتمال زنده ماندن می‌شود. علاوه بر این، بر اساس نتایج، مشخص شده است که عوامل محلی دارای تأثیر بالقوه بر سرمایه انسانی اختصاص یافته به شرکت‌ها و نیز نحوه استفاده از این سرمایه از طریق انگیزه رشد است. موضوعی که نشان می‌دهد نه تنها عوامل موقعیت‌یابی به نرخ‌های متفاوت کارآفرینی منجر می‌شوند، بلکه بر دوام کارکنان در طول زمان نیز تأثیر گذارند.

در مجموع مطالعاتی که در حوزه اقتصاد صنعتی و نقش مکان صورت گرفته، مکان را به عنوان عامل مهم و تأثیرگذار بر عملکرد بنگاه و از جمله حیات آن معرفی نموده است. با این وجود، این که برای موفقیت و بقای بنگاه‌ها چه مکان‌هایی نسبت به سایر مکان‌ها ارجحیت بیشتری دارند، بسته به صنعت، کشور مورد بررسی و زمان، نتایج متفاوتی بدست آمده است. بر این اساس، مطالعات موجود پیشنهاد نموده‌اند بررسی عوامل مؤثر بر دوره حیات بدون توجه به مکان آن نتایج متقن و قابل اعتماد حاصل نخواهد نمود و از این رو لازم است تا تحلیل‌های مذکور به تفکیک مناطق صورت پذیرد.

داده‌ها و روش تحقیق

برای انجام مطالعات دوره‌ای مانند مطالعه دوره حیات بنگاه‌ها علاوه بر دستیابی به داده‌های خرد، امکان پی‌گیری آن‌ها در طول زمان نیز امری لازم است. از این‌رو، محدودیت دستیابی به داده‌هایی با چنین ویژگی‌هایی است که انجام این مطالعات را با مشکل مواجه نموده است. با این وجود، برای انجام این مطالعه داده‌های مورد نیاز با ویژگی‌های خاص خود توسط سرشماری مرکز آمار ایران از کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر جمع‌آوری گردیده و در دسترس قرار گرفته است. داده‌های موجود علی‌رغم برخی محدودیت‌ها، ویژگی‌های متعددی از بنگاه‌های صنعتی ایران را دربر گرفته و زمینه بررسی دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنایع نساجی ایران را در سال‌های ۸۴-۱۳۷۵ فراهم نموده است. مهم‌ترین محدودیت داده‌های مورد استفاده دوره زمانی است که این پژوهش بر اساس آن انجام گرفته است. از آنجایی که سال دقیق ورود بنگاه‌های موجود در سال ۱۳۷۵ و یا به عبارتی سن این بنگاه‌ها مشخص نیست^۱، تنها امکان پی‌گیری بنگاه‌های جدیدالورود در هر یک از سال‌های ۸۴-۱۳۷۵ میسر گردیده است. از سوی دیگر، با وجود اینکه سال ۱۳۸۴ سال پایانی دوره مورد بررسی است؛ بنابراین، برای آن که بتوان بنگاه‌های جدیدالورود را از حیث دوره حیات و به صورت همگن مورد بررسی قرار داد، بنگاه‌های وارد شده در هر یک از سال‌ها تنها به مدت سه سال تعقیب و حیات یا خروج آنها بررسی شده است. این نیز بدان دلیل است که این دوره (دوره سه ساله) امکان بررسی بیشترین بنگاه‌های جدیدالورود را امکان‌پذیر می‌سازد. از سوی دیگر، بر اساس ادبیات موجود، سه سال اول شروع فعالیت بنگاه به

۱- مهم‌ترین محدودیت این پژوهش داده‌های مورد استفاده در آن است و این نیز به دلیل آن است که داده‌های موجود در سطح خرد (micro) و در بخش صنعت ایران تنها برای سال‌های مذکور به صورت سرشماری جمع‌آوری گردیده است. این در حالی است که محققین این مطالعه تلاش‌های گسترده‌ای را برای بروزرسانی داده‌های مذکور انجام داده اما امکان دسترسی به آنها پس از سال ۱۳۸۴ برای آنها میسر نبوده است. با این وجود، انجام مطالعه‌ای با موضوع این پژوهش آنقدر با اهمیت است که صرف‌نظر از دوره زمانی و به روز نبودن داده‌های آن، می‌تواند جایگاه این مطالعات را مشخص نموده و زمینه را برای جمع‌آوری داده‌ها به صورتی که امکان ادامه مطالعاتی از این دست میسر گردد را فراهم نماید.

۲ به عنوان مثال، اگر دو بنگاه در سال ۱۳۷۸ از صنعت خارج شوند، به طوری که یکی در سال ۱۳۷۴ و دیگری در سال ۱۳۷۲ به صنعت وارد شده باشد، دوره حیات آنها یکسان تلقی گردیده و از یکدیگر قابل تشخیص نمی‌باشد.

عنوان حیاتی‌ترین مرحله حیات بنگاه محسوب شده و سپری نمودن این سه سال با موفقیت به منزله گذراندن دره مرگ است (Nenonen & Littunen, 1998).

با توجه به آنچه در مورد داده‌های این مطالعه توضیح داده شده است و بر اساس تئوری‌های موجود، ویژگی داده‌های مورد نیاز موجب شده تا مدل‌های آماری مرسوم مانند OLS برای تحلیل‌های دوره‌ای^۱ مناسب نباشد؛ چرا که در زمان مورد بررسی پدیده مورد نظر (و در اینجا خروج بنگاه از فعالیت) برای برخی از آزمودنی‌ها اتفاق نیفتاده است. در ادبیات اقتصادسنجی روش‌های متعددی برای بررسی حیات یا خروج یک بنگاه از فعالیت اقتصادی معرفی گردیده، اما از آنجایی که روش‌های تخمین استاندارد شرح صحیحی را برای این مسأله ارائه نداده، تخمین‌های دوره‌ای بر اساس آنها اریب خواهد بود (Mata & Portugal, 1994: 230) و از این رو، ادبیات این حوزه تابع مخاطره $h(t)$ را به صورت رابطه (۱) برای تحلیل‌های دوره‌ای معرفی نموده است.^۲ در این تابع $h(t)$ احتمال خروج بنگاه است که با وجود شرط زمانی $t + \Delta t$ برای بنگاه‌هایی که تا زمان t باقی مانده و به فعالیت خود ادامه داده‌اند تعریف می‌شود. همچنین، T : دوره حیات بنگاه، $f(t)$: تابع چگالی احتمال و $S(t)$: تابع بقای بنگاه است.

$$h(t) = \lim_{\Delta t \rightarrow 0} \frac{p(t \leq t + \Delta t | T \geq t)}{\Delta t} = \frac{f(t)}{s(t)} \quad t = 1, 2, 3, \dots, T \quad (1)$$

بر اساس تئوری‌های تجربی توزیع‌های دوره‌ای وایبل^۳، نمایی^۴، لگ‌نرمال^۵ و لگ‌لجستیک^۶ (Cefis & Marsili, 2005: 10) برخی از توزیع‌های دوره‌ای معروف در این حوزه‌اند. اما در این مطالعه از آنجایی که بنگاه‌هایی که توانسته‌اند به فعالیت خود ادامه دهند از بنگاه‌هایی که در ادامه فعالیت ناتوان بوده و خارج شده‌اند، با متغیر صفر و یک از یکدیگر متمایز شده‌اند، برای تخمین

۱- Duration Analysis

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: Mata & Portugal, 1994

۳- Weibull

۴- Exponential

۵- Lognormal

۶- Log-logistic

تأثیر عوامل مؤثر بر دوره حیات بنگاه‌ها از مدل رگرسیونی پروبیت^۱ استفاده شده و این مدل در دو فاز مورد آزمون قرار گرفته است. در فاز اول، استان‌ها بر اساس سطح توسعه‌یافتگی به سه گروه توسعه‌یافته صنعتی، کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم گردیده و تأثیر این سه گروه آزمون شده است. در فاز دوم، تأثیر مکان بر دوره حیات بنگاه‌ها در سه بخش مجزا و در هر بخش در بین استان‌هایی همگن از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی آزمون شده است.

معرفی مدل و ارائه نتایج

ادبیات موجود در حوزه حیات بنگاه‌ها عوامل مؤثر بر دوره حیات بنگاه‌ها را به پنج دسته ویژگی‌های مختص بنگاه^۲، ویژگی‌های شاغلان^۳، ویژگی‌های مخارج^۴، ویژگی‌های صنعت^۵ و ویژگی‌های کلان اقتصادی^۶ که از آن به ویژگی‌های محیطی نیز تعبیر می‌شود، طبقه‌بندی نموده است (Hansen et al., 2004). در این مطالعه با وجود تأکید بر بررسی تأثیر مکان به عنوان یکی از ویژگی‌های بنگاه، تأثیر سایر ویژگی‌های مختص بنگاه، شاغلان، مخارج و صنعت نیز بر اساس مدل نهایی زیر آزمون شده است:

$$Surv_{it} = r_0 + r_1 \ln EMP_{it} + r_2 (\ln EMP_{it})^2 + r_3 (\ln EMP_{it})^3 + \sum_{i=1}^n S_i X_{it} + \sum_{j=1}^m X_j Y_{jt} + \sum_{k=1}^p S_k W_{kt} + \sum_{l=1}^o Z_{lt} + v \quad (2)$$

۱- Probit Regression Techniques

۲- Firms Specific Factors

۳- Employment Specific Factors

۴- Expenditure Specific Factors

۵- Industry Characteristics

۶- Macro Economics Factors

به طوری که بخش اول ارائه‌کننده متغیرهای ساختاری اندازه بنگاه، $\sum_{i=1}^n S_i X_{ii}$ بیانگر ویژگی‌های مختص بنگاه، $\sum_{j=1}^m X_j Y_{jj}$ نمایانگر ویژگی‌های نیروی انسانی، $\sum_{k=1}^p S_k W_{kt}$ مربوط به ویژگی‌های مخارج انجام شده و $\sum_{l=1}^o Z_{ll}$ متغیرهای مربوط به ویژگی‌های صنعت را در بر گرفته و هر کدام شامل متغیرهای اصلی و مجازی^۱ است (جدول شماره ۱).

جدول ۱- نام و توضیح متغیرهای مورد استفاده

نام متغیر	توضیح متغیر	نام متغیر	ویژگی‌های نیروی انسانی
	متغیرهای ساختاری اندازه	EDUCATE	سهم شاغلان با تحصیلات دانشگاهی در سال ورود
lnEMP	لگاریتم اشتغال در سال ورود به صنعت نساجی	SKILL	سهم مهندسين، تكنسين و شاغلين ماهر در سال ورود
lnEMP2	توان دوم لگاریتم اشتغال در سال ورود به صنعت نساجی	MAL	سهم شاغلين مرد
lnEMP3	توان سوم لگاریتم اشتغال در سال ورود به صنعت نساجی	WWAGE	سهم شاغلان با مزد و حقوق در سال ورود
	ویژگی‌های بنگاه		ویژگی‌های مخارج انجام شده*
DSmall	بنگاه‌های با اندازه کوچک (۱۰-۴۹ نفر کارکن)	Comm	مخارج انجام شده برای ارتباطات در سال ورود
DMedian	بنگاه‌های با اندازه متوسط (۵۰-۱۰۰ نفر کارکن)	Trans	مخارج انجام شده برای حمل و نقل در سال ورود
DOWn1	مالکیت تعاونی	RD	مخارج انجام شده برای تحقیق و توسعه در سال ورود
DOWn2	مالکیت خصوصی	Adver	مخارج تبلیغات در سال ورود
DL1	استقرار در استان‌های توسعه یافته صنعتی	Invest	مخارج سرمایه‌گذاری در سال ورود
DL3	استقرار در استان‌های توسعه یافته غیر صنعتی		ویژگی‌های نوع صنعت
DY2	بنگاه‌های وارد شده در دو سال دوم و سوم برنامه دوم توسعه	**D171	فعالیت در گروه صنعت ۱۷۱ بر اساس کدهای سه رقمی

۱- Dummy Variable

فعالیت در گروه صنعت ۱۷۳ بر اساس کدهای سه رقمی	D173	بنگاه‌های واردشده در دو سال دوم و سوم برنامه سوم توسعه	DY3
اندازه بهینه بنگاه	MES	بهره وری نیروی کار بر حسب ارزش تولید در سال ورود	LP
موانع ورود	Bar_skill	تکنولوژی (نسبت سرمایه به نیروی کار)	KL

نکته: تمامی متغیرهای مالی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ محاسبه شده است.

* هر کدام از مخارج انجام شده، به صورت نسبت آن به مجموع هزینه‌های پرداختی برای تهیه مواد اولیه محاسبه شده است.

** در این مقاله برای در نظر گرفتن تأثیر نوع صنعت، نوع فعالیت بر اساس کدهای سه رقمی مبنا قرار گرفته است.

برخورداری از ویژگی‌هایی که برای مقایسه آنها مقیاسی تعریف نشده بر اساس متغیرهای مجازی و با استفاده از مقادیر (۰) و (۱) تبیین می‌گردد. چنانچه متغیرها از ویژگی مورد نظر برخوردار باشند، مقدار (۱) و در غیر این صورت مقدار (۰) را به خود اختصاص می‌دهند که در جدول شماره ۱ با D مشخص شده‌اند.

تأثیر مکان بر دوره حیات: فاز اول

مکان بنگاه که بررسی تأثیر آن بر دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی هدف اصلی این مطالعه است، یکی از ویژگی‌های مختص بنگاه محسوب می‌شود که به صورت متغیر مجازی در مدل وارد گردیده است. همان‌طور که در بخش روش تحقیق نیز توضیح داده شد، برای تخمین تأثیر مکان دو فاز در نظر گرفته شده است، در فاز اول، استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه یافتگی و با توجه به طبقه‌بندی آمایش صنعت و معدن که در جدول شماره ۲ نشان داده شده، به سه گروه استان‌های توسعه یافته صنعتی (DL1)، کمتر توسعه یافته (DL2) و استان‌های توسعه نیافته صنعتی (DL3) تقسیم گردیده و تأثیر آنها آزمون شده است.

جدول ۲- رتبه‌بندی استان‌ها در طرح آمایش صنعت و معدن

رتبه	استان	رتبه	استان	رتبه	استان	رتبه	استان
۲۱	اردبیل	۱۲	آذربایجان شرقی	۱	یزد	۱	استان‌های توسعه یافته
۲۲	لرستان	۱۳	خراسان شمالی	۲	سمنان	۲	استان‌های توسعه یافته
۲۳	خراسان جنوبی	۱۴	گیلان	۳	قزوین	۳	
۲۴	همدان	۱۵	هرمزگان	۴	مرکزی	۴	
۲۵	کرمانشاه	۱۶	خراسان رضوی	۵	بوشهر	۵	

۲۶	آذربایجان غربی	۱۷	چهارمحال و بختیاری	۶	اصفهان
۲۷	کردستان	۱۸	مازندران	۷	زنجان
۲۸	گلستان	۱۹	ایلام	۸	خوزستان
۲۹	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰	فارس	۹	کرمان
۳۰	سیستان و بلوچستان			۱۰	قم
				۱۱	تهران

منبع: Ajdari & Farsiyan, 2008.

با این نگاه، تعداد بنگاه‌های جدیدالورود به صورت جدول شماره ۳ بوده و مشاهده می‌شود استان‌های توسعه یافته بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به یادآوری است در تخمین مدل و برای جلوگیری از تله متغیرهای مجازی^۱ استان‌های کمتر توسعه یافته به عنوان مبنا قرار گرفته و نتایج تخمین^۲ *Parsimonious Version (PV)* مرحله دوم^۳ مدل شماره (۲) در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۳- تعداد بنگاه‌های جدیدالورود براساس طبقه بندی سطح توسعه یافتگی

بنگاه‌های جدیدالورود		گروه
درصد	تعداد	
۶۱.۹	۶۳۹	استان‌های توسعه یافته صنعتی (DL1)
۱۷.۱	۱۷۶	استان‌های کمتر توسعه یافته صنعتی (DL2)
۲۱.۰	۲۱۷	استان‌های توسعه نیافته صنعتی (DL3)
۱۰۰	۱۰۳۲	مجموع

منبع: یافته‌های محقق

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در تخمین مدل نهایی، از ۱۳ متغیر ویژه بنگاه، ۸ متغیر لگاریتم

۱- Dummy Trap

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به (Derakhshan, 1995:556) مراجعه شود.

۲- منظور از *Parsimonious Version* آن است که متغیرهای بکار گرفته شده در مدل اصلی که از نظر آماری معنی‌دار نیستند حذف گردیده و تا معنی‌داری تمامی متغیرها مدل مجدداً تخمین زده شود.

۳- در مورد تخمین این مدل معنی‌داری تمامی متغیرها پس از دو مرحله حاصل شده است.

اندازه اشتغال، متغیر مجازی بنگاه‌های کوچک، مالکیت خصوصی، بنگاه‌های مستقر در مناطق توسعه‌نیافته، بهره‌وری و تکنولوژی تأثیر معنی‌داری را بر دوره حیات بنگاه‌های صنعت نساجی نشان داده است.^۱ در این میان توان دوم لگاریتم اشتغال و متغیر مجازی بنگاه‌های کوچک با دوره حیات رابطه منفی داشته است. در مجموع، احتمال بقای بنگاه‌های کوچک‌تر، بنگاه‌های با مالکیت خصوصی، بنگاه‌های مستقر در مناطق توسعه‌نیافته صنعتی، بنگاه‌های با بهره‌وری بالا و نسبت بالای سرمایه به نیروی کار، بیشتر است. بنابراین، در مورد تأثیر مکان بر دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی بر اساس فاز اول، بنگاه‌هایی جدیدالورود در مناطق توسعه‌نیافته نسبت به بنگاه‌های سایر مناطق دوره حیات بیشتری را تجربه می‌نمایند. سطح توسعه صنعتی استان‌ها نیز در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۴- تخمین مدل نهایی بر اساس فاز اول (PV2)

Number of obs = 1030 LR chi2(9) = 117.94 Prob > chi2 = 0.0000 Log likelihood = - 623.32906						
Survival	Coef.	Std. Err.	z	P>z	95% Conf.	Interval
Constant	-9.65	2.30	-4.19	0.00	-14.17	-5.13
lnemp	7.39	2.04	3.63	0.00	3.40	11.38
lnemp2	-1.72	0.52	-3.28	0.00	-2.74	-0.69
lnemp3	0.13	0.04	3.08	0.00	0.05	0.20
dsmal	-0.79	0.33	-2.44	0.02	-1.43	-0.15
down2	0.52	0.20	2.58	0.01	0.13	0.92
dl3	0.19	0.10	1.81	0.07	-0.02	0.40
LP	0.00	0.00	3.05	0.00	0.00	0.00
KL	0.00	0.00	2.61	0.01	0.00	0.00
Educat	1.72	0.64	2.69	0.01	0.47	2.98

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از آمارهای مرکز آمار ایران

شکل ۱- موقعیت جغرافیایی استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه‌یافتگی

^۱ لازم به ذکر است که اگرچه در این جدول ضرایب این متغیرها (۰) نشان داده شده است، اما در واقع مقداری بالاتر از صفر است و به دلیل رند شدن همه اعداد جدول تا دو رقم اعشار صفر نشان داده شده است.



منبع: یافته‌های محقق، بر گرفته از طرح آمایش صنعت و معدن

تأثیر مکان بر دوره حیات: فاز دوم

در فاز دوم برای بررسی تأثیر مکان بر دوره حیات بنگاه‌ها سه بخش مجزا وجود دارد که در هر بخش تأثیر مکان در بین هریک از استان‌هایی که بر مبنای فاز اول و بر اساس طرح آمایش صنعت و معدن (جدول شماره ۲) از لحاظ توسعه‌یافتگی در سطحی همگن قرار گرفته‌اند این تأثیر آزمون شده است. در بخش اول، تأثیر مکان در بین استان‌های توسعه نیافته صنعتی (اردبیل، لرستان، خراسان جنوبی، همدان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، کردستان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان) مبنا قرار داده شده و نتایج بر اساس *Parsimonious Version* مرحله اول در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- تخمین مدل نهایی بر اساس فاز دوم: مناطق توسعه نیافته (PVI)

Probit estimates Number of obs = 1032						
LR chi2(9) = 117.52						
Prob > chi2 = 0.000						
Log likelihood = -624.481						
	Coef.	Std. Err.	z	P>z	[95% Conf. Interval	Interval
survival						
Constant	-9.32	2.28	-4.09	0.00	-13.78	-4.86
lnemp	7.14	2.01	3.55	0.00	3.20	11.08

lnemp2	-1.66	0.52	-3.21	0.00	-2.67	-0.64
lnemp3	0.12	0.04	3.02	0.00	0.04	0.20
dsmal	-0.77	0.32	-2.41	0.02	-1.40	-0.14
down2	0.54	0.21	2.64	0.01	0.14	0.94
lp	0.00	0.00	2.65	0.01	0.00	0.00
kl	0.00	0.00	2.6	0.01	0.00	0.00
educat	1.71	0.64	2.68	0.01	0.46	2.96
dlocation27	0.36	0.24	1.47	0.14	-0.12	0.83

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از آمارهای مرکز آمار ایران

اگرچه در تخمین اولیه در میان استان‌های توسعه نیافته تأثیر معنی دار مکان بر دوره حیات بنگاه‌ها تنها در استان گلستان (کد ۲۷) مشاهده شده، اما زمانی که متغیرهای بدون معنی حذف و مدل مجدداً تخمین زده می‌شود، این معنی داری نیز از بین می‌رود. موضوعی که به نوعی مؤید نتیجه حاصل از فاز اول است. به عبارت دیگر، همان‌طور که بر اساس فاز اول نشان داده شده است، بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در استان‌های توسعه نیافته نسبت به بنگاه‌های مستقر در سایر استان‌ها احتمال بقای بیشتری را تجربه می‌نمایند و زمانی که این مقایسه در بین استان‌های مناطق توسعه نیافته نیز انجام می‌شود، تمایز معنی داری بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در بخش دوم، مدل مورد بررسی در بین استان‌های کمتر توسعه یافته (آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، گیلان، هرمزگان، خراسان رضوی، چهارمحال و بختیاری، مازندران، ایلام، فارس) آزمون شده و نتایج بدست آمده از PV نیز در جدول شماره ۶ به تصویر کشیده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان آذربایجان شرقی (کد ۰۳) در تمامی مراحل تخمین این مدل تأثیر مثبت و معنی داری را بر دوره حیات بنگاه‌ها نشان داده است. بر اساس این نتیجه در میان بنگاه‌هایی که فعالیت خود را در استان‌های کمتر توسعه یافته شروع نموده‌اند، بنگاه‌های مستقر در استان آذربایجان شرقی احتمال بقای بیشتری را تجربه کرده^۱ و از این لحاظ از سایر استان‌های با این سطح توسعه یافتگی مجزا شده است.

۱ از آنجایی که ضریب مربوط به استان آذربایجان شرقی ضریبی مثبت و معنی دار است این نتیجه حاصل شده است.

جدول ۶- تخمین مدل نهایی بر اساس فاز دوم: مناطق کمتر توسعه‌یافته (PV2)

Probit estimates Number of obs = 1030						
LR chi2(9) = 120.17						
Prob > chi2 = 0.000						
Log likelihood = -622.21352						
survival	Coef.	Std. Err.	z	P>z	[95% Conf.	Interval]
Constant	-9.68	2.31	-4.20	0.00	-14.20	-5.16
lnemp	7.41	2.04	3.64	0.00	3.42	11.41
lnemp2	-1.72	0.52	-3.27	0.00	-2.74	-0.69
lnemp3	0.12	0.04	3.07	0.00	0.05	0.20
dsmal	-0.77	0.33	-2.36	0.02	-1.41	-0.13
down2	0.50	0.20	2.45	0.01	0.10	0.89
lp	0.00	0.00	2.80	0.01	0.00	0.00
kl	0.00	0.00	2.62	0.01	0.00	0.00
educat	1.76	0.64	2.75	0.01	0.51	3.01
dlocation03	0.65	0.29	2.27	0.02	0.09	1.22

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از آمارهای مرکز آمار ایران

در بخش سوم، تأثیر مکان بر دوره حیات در بین استان‌های توسعه‌یافته صنعتی (یزد، سمنان، قزوین، مرکزی، بوشهر، اصفهان، زنجان، خوزستان، کرمان، قم، تهران) مقایسه شده است. بر اساس آنچه از نتایج PV مرحله اول این آزمون در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود، تأثیر مکان بر حیات بنگاه در استان‌های قزوین، مرکزی و تهران تأثیر معنی‌داری بوده و این تأثیر در استان‌های تهران و مرکزی منفی و در استان قزوین مثبت و معنی‌دار است. به عبارت دیگر، در بین بنگاه‌هایی که فعالیت خود را در صنعت نساجی و در مناطق توسعه‌یافته شروع می‌نمایند، بنگاه‌های جدیدالورود استان‌های تهران و مرکزی نسبت به سایر استان‌ها دوره حیات کمتری را تجربه نموده و بنگاه‌های جدیدالورود استان قزوین از احتمال بقای بالاتری برخوردارند.

جدول ۷- تخمین مدل نهایی بر اساس فاز دوم: مناطق توسعه‌یافته (PV2)

Probit estimates Number of obs = 1028						
LR chi2(11) = 132.76						
Prob > chi2 = 0.000						
Log likelihood = -614.97002						
survival	Coef.	Std. Err.	z	P>z	[95% Conf.	Interval]
Constant	-9.96	2.31	-4.31	0.00	-14.49	-5.43
lnemp	7.68	2.04	3.76	0.00	3.68	11.68
lnemp2	-1.77	0.52	-3.38	0.00	-2.80	-0.75
lnemp3	0.13	0.04	3.14	0.00	0.05	0.21

dsmal	-0.82	0.33	-2.48	0.01	-1.46	-0.17
down2	0.52	0.20	2.57	0.01	0.12	0.92
lp	0.00	0.00	2.74	0.01	0.00	0.00
kl	0.00	0.00	2.26	0.02	0.00	0.00
educat	1.86	0.65	2.85	0.00	0.58	3.14
dlocation26	0.51	0.25	2.04	0.04	0.02	1.01
dlocation00	-0.73	0.29	-2.54	0.01	-1.30	-0.17
dlocation23	-0.53	0.21	-2.52	0.01	-0.94	-0.12

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از آمارهای مرکز آمار ایران

نتایج، بحث و پیشنهادهای سیاستی

همراه با شروع فعالیت اقتصادی یک بنگاه اقتصادی عوامل متعددی بر حیات آن تأثیر گذاشته و در این میان، مکان استقرار به عنوان عاملی تأثیرگذار، اما غیر قابل تغییر، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. با این وجود بررسی تأثیر مکان بر حیات بنگاه با همه این اهمیت کمتر در ادبیات جغرافیای اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفته و از این رو، این مقاله با هدف بررسی این تأثیر در بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی طراحی شده و نتایج به دست آمده از این مطالعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

در بین مناطق توسعه یافته صنعتی، کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته، بنگاه‌های جدیدالورودی که فعالیت خود را در صنعت نساجی و در مناطق توسعه نیافته آغاز نموده‌اند، نسبت به دیگر مناطق احتمال بقای بالاتری را تجربه می‌نمایند. موضوعی که با توجه به ادبیات این حوزه و شرایط حاکم بر اقتصاد ایران علت آن را می‌توان مزیت‌های خاص این مناطق از قبیل ارائه تسهیلات ویژه دولت برای شروع فعالیت‌های اقتصادی به منظور برقرار نمودن تعادل نسبی درآمد و ایجاد رونق اقتصادی در این مناطق، عدم وجود رقابت‌های شدید، وجود نیروی انسانی زیاد و نسبتاً ارزان و در نهایت شرایط مناسب در تأیید مبانی تئوری حاشیه‌های مکانی سودآوری عنوان نمود.

زمانی که بررسی تأثیر مکان بر دوره حیات بنگاه‌ها بین استان‌های توسعه نیافته صنعتی انجام می‌شود، در دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی تفاوت معنی داری مشاهده نمی‌شود. نتیجه‌ای که مؤید نتیجه فاز اول بوده و بیانگر این است که دوره حیات بنگاه‌های مستقر در استان‌های توسعه نیافته دارای تفاوت معنی داری نیست.

مقایسه دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در استان‌های کمتر توسعه یافته با توجه به معنی داری ضریب مربوط به استان آذربایجان شرقی بیانگر تفاوت معنی دار این استان

نسبت به سایر استان‌ها است. به عبارت دیگر، بنگاه‌های واقع در استان آذربایجان شرقی نسبت به سایر استان‌ها احتمال بقای بیشتری را تجربه خواهند کرد. برای درک بهتر موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان شرقی، در شکل شماره ۲ این استان در مقایسه با سایر استان‌های واقع در مناطق کمتر توسعه یافته صنعتی به صورت متمایز به تصویر کشیده شده است. علت این تمایز را می‌توان بر خورداری از نیروی انسانی کارآفرین، متخصص و فعال این استان قلمداد نمود که موجب شده این استان از حدود هفتاد سال پیش تاکنون از قطب‌های مهم صنعتی کشور به شمار رود (استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷). علاوه بر آن، استان آذربایجان شرقی با بنگاه‌های بزرگ (مانند تراکتورسازی ایران، ایدم، ماشین‌سازی، هاکسیران و درمن دیزل)، و خطوط ارتباطی با اروپا، منطقه قفقاز و ترکیه و واقع شدن در کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل، قدمت ۱۰۰ ساله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، وجود منطقه آزاد تجاری ارس، تالار بورس اوراق بهادار، شهرک‌های صنعتی عمومی و تخصصی، شهرک صنعتی سرمایه‌گذاری خارجی، دانش فنی و نیروی انسانی متخصص دارای ظرفیت‌های توسعه صنعتی است (سازمان صنایع و معادن، ۱۳۸۹) که می‌تواند زمینه بقای بیشتر بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در این استان را نسبت به سایر استان‌های کمتر توسعه یافته فراهم نماید.



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان شرقی در مقایسه با سایر استان‌های کمتر توسعه‌یافته

نتایج این مطالعه نشان داده است در میان استان‌های توسعه‌یافته صنعتی، بنگاه‌های جدیدالورود نساجی مستقر در استان تهران و مرکزی دوره حیات کمتر و بنگاه‌های مستقر در استان قزوین دوره حیات بیشتری را تجربه می‌نمایند. وضعیت جغرافیایی این سه استان که تمایز معنی‌داری را نسبت به سایر استان‌های توسعه‌نیافته نشان داده‌اند در شکل شماره ۳ به تصویر کشیده شده است. تجمع کانون‌های عمده اقتصادی، موقعیت سیاسی-اداری و مرکزیت استان تهران باعث شده تا بخش عمده امکانات صنعتی و خدماتی در محدوده آن متمرکز شده و آن را به یکی از کانون‌های عمده صنایع کشور تبدیل نماید. از سوی دیگر، بر اساس آمارهای موجود استان تهران همواره از استان‌هایی است که بیشترین سهم را در فعالیت‌های نساجی به خود اختصاص داده است (Maleki, 2008). از این رو، تمرکز فعالیت‌های صنعت نساجی، رقابت شدید، نیروی انسانی گران و در

۱- این نتایج بر اساس ضرایب ارائه شده در جدول شماره ۷ مربوط به استان‌های قزوین، مرکزی و تهران حاصل شده است.

مجموع، بالا بودن هزینه‌ها نسبت به سایر استان‌ها موجب گردیده تا بنگاه‌های جدیدالورود در استان تهران با توجه به عدم توانایی در دستیابی به حاشیه‌های مکانی سود و نیز بر اساس تئوری مراکز رشد داخل شهری دوره حیات کمتری را تجربه نمایند.

احتمال بقای کمتر بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در استان مرکزی و علی‌رغم آنکه این استان به عنوان استانی صنعتی محسوب می‌شود، عدم وجود مزیت نسبی این استان در صنعت نساجی است. چه آنکه این استان بیشتر در زمینه‌های ساخت سازه‌های فلزی، محصولات فولادی، تجهیزات صنعتی، مواد شیمیایی، محصولات پتروشیمی و کانی‌های غیرفلزی مزیت دارد. از سوی دیگر، عدم وجود امکانات گمرکی مناسب، امور زیربنایی و عمرانی مناسب و تکنولوژی فرسوده از جمله عواملی است که زمینه‌ساز دوره حیات کمتر بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در این استان می‌باشد (گزارش تحلیلی از وضعیت صنعت و اقتصاد صنعتی استان مرکزی، ۱۳۹۰).

احتمال دوره حیات بالاتر در بنگاه‌های جدیدالورود نساجی در استان قزوین را می‌توان به دلیل استقرار این استان در نزدیکی تهران و البرز نسبت داد. به منظور اجرای سیاست‌های دولت در زمینه عدم تمرکز کارگاه‌های صنعتی در محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران و ایجاد قطب صنعتی جدید در خارج از محدوده تهران بزرگ، این استان به یکی از مراکز مهم صنعتی کشور تبدیل نموده و متقاضیان احداث واحدهای صنعتی را به سرمایه‌گذاری در این استان راغب کرده است. از این‌رو، دسترسی آسان به بازار و به نوعی نزدیکی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و کاهش هزینه‌های حمل و نقل از عوامل موفقیت بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در استان قزوین است. این نتیجه مؤید تئوری جداسازی مرحله‌ای و حاشیه‌های سودآوری است.

در تمامی مدل‌هایی که در این مطالعه آزمون شده است، علاوه بر بررسی تأثیر مکان، سایر متغیرهای مؤثر بر حیات بنگاه نیز مورد بررسی قرار گرفته و این متغیرها در چهار گروه ویژگی‌های بنگاه، شاغلان، مخارج و صنعت آزمون شده است. تمامی یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار مالکیت خصوصی، بهره‌وری نیروی کار، تکنولوژی و آموزش عالی و تأثیر منفی و معنی‌داری متغیر مجازی اندازه بنگاه‌های کوچک است. بنابراین، علاوه بر تأثیر مکان، بنگاه‌های جدیدالورود صنعت نساجی در بخش خصوصی و با بهره‌وری و تکنولوژی بالا و نیز سهم بالای شاغلان با تحصیلات دانشگاهی از احتمال بقای بیشتری در فعالیت برخوردار خواهند بود. هم‌چنین هرچه بنگاه‌های جدید در اندازه‌ای کوچک‌تر فعالیت خود را آغاز نمایند دوره حیات کمتری را تجربه

خواهند نمود. تولید در اندازه‌ای غیر بهینه (تولید در زیر ظرفیت) می‌تواند یکی از دلایل این رویداد تلقی شود.



شکل ۳- مقایسه موقعیت جغرافیایی استان‌های تهران، مرکزی و قزوین با سایر استان‌های توسعه‌یافته

بنابراین و با توجه به یافته‌های این مطالعه و از آنجایی که مکان بنگاه نقش مهمی را در حیات آن ایفا می‌نماید لازم است تا مکان‌یابی صنعتی متناسب با هر فعالیت از شروط اولیه شروع فعالیت در هر یک از صنایع و مناطق کشور باشد. غفلت از این موضوع، اگرچه ورود بنگاه به فعالیت را تسهیل می‌نماید اما از سوی دیگر خروج از فعالیت را نیز افزایش داده و نتیجه آن جز هدررفت منابع نخواهد بود.

References

- [1] Ajdari, Aliasghar & Farsiyan. (2008). *Assessment and Analysis of Industrial and Mineral Disposal Plans (2008-2011)*. Ministry of Industry and Mines, Energy, Industry and Mines (Industry Group). (In persian).

- [2] Governorate of East Azarbaijan (2008). *Deputy of Planning, Economic, Social and Cultural Report of East Azarbaijan Province*. Tabriz. (In persian).
- [3] Pakdel Fard, Morteza. (2010). *Industrial User and Locate it*, Urban Planning Site, <http://urbanplanning2.blogfa.com/post-29.aspx>.
- [4] Derakhshan, Masood. (1995). *Econometrics*. Volume one, Single Equations With Classical Assumption, samt.
- [5] Organization of Industries and Mines. (2010). East Azarbaijan Province, Performance Report of 2010.
- [6] Analytical Report on The state of Industry and Industrial Economy in Markazi Province. (2011). Analytical News site of Markazi Province, Article number: 26368, July 14, 2011.
- [7] Maleki, Azar. (2008). Ministry of Industry and Mines, Office of Textile and Clothing.
- [8] Audretsch, D. & J. Pawan Tamvada (2008). The Distribution of Firm Start-Up Size Across Geographic Space, *Economic Geography*.
- [9] Audretsch, D. & M. Fritsch. (1994). The Geography of Firm Births in Germany. *Regiotrol Studies*, Vol. 28.4: 359-365.
- [10] Buenstorf, G. & C. Guenther. (2007). No place like home? Location Choice and Firm Survival after Forced Relocation in the German Machine Tool Industry. *Jena Economic Rresearch Papers (JERP)*, Issue / Number: 2007-053.
- [11] Cefis, E. & O. Marsili. (2005). A Matter of Life and Death: Innovation and Firm Survival. *Industrial and Corporate Change*, 14(6): 1167-1192.
- [12] Fotopoulos G. & H. Louri. (2000). Determinants of Hazard Confronting New Entry: Does Financial Structure Matter?. *Review of Industrial Organization*, 17: 285-300.
- [13] Fotopoulos, G. & N. Spence. (1999). Spatial Variations in New Manufacturing Plant Openings: Some Empirical Evidence from Greece. *Regional Studies*, 33(3): 219-229.
- [14] Fritsch, M., U. Brixy & O. Falck. (2006). The Effect of Industry, Region and Time on New Business Survival – A Multi-Dimensional Analysis. *Review of Industrial Organization*, 28:285-306.
- [15] Garolfli, G.(1994). New Firm Formation and Regional Development: The Italian Case. *Regional Studies*, 28(4): 381-393.
- [16] Gaygisiz, E. & M. Yaseim Koksai. (2003). Regional Variation In New Firm Formation In Turkey: Cross-Section And Panel Data Evidence. Economic Research Center. Working Papers in Economics.
- [17] Gerlach, K. & J. Wagner. (1994). Regional Differences in Small Firm Entry in Manufacturing Industries: Lower Saxony, 1979-1991'. *Entrepreneurship and Regional Development*, 6: 63-80.
- [18] Guesnier, B. (1994). Regional Variations in New Firm Formation In France. *Regional Studies*, 28(4): 347-358.
- [19] Gujarati, (1988). *Basic Econometrics*. New York: McGraw-Hill International Editions. City University of New York: 491-499.

- [20] Hansen, H., J. Rand & F. Trap. (2004). SME Growth and Survival in Vietnam: Did Direct Government Support Matter?. Discussion Papers. Institute of Economics. University of Copenhagen.
- [21] Hoogstra, G., J & J. van Dijk. (2004). Explaining Firm Employment Growth: Does Location Matter?. *Small Business Economics*, 22: 179-192.
- [22] Huggins, R., Prokop, D., & P. Thompson. (2017). Entrepreneurship and the determinants of firm survival within regions: human capital. Growth motivation and locational conditions. *Entrepreneurship & Regional Development An International Journal*, 29 (3-4).
- [23] Keeble, D. & S. Walker. (1994). New Firms, Small Firms and Dead Firms: Spatial Patterns and Determinants in the United Kingdom. *Regional Studies*, 28(4): 411-427.
- [24] Loof, H., & Nabavi, P. (2014). Survival, productivity and growth of new ventures across locations. *Small Business Economics* , 43(2), 477-491.
- [25] Louri, H. & V. Anagnostaki. (1995). Entry in Greek Manufacturing Industry: Athens vs. Rest of Greece. *Urban Studies*, 32(7): 1127-1133.
- [26] Mata, J. & P. Portugal. (1994). Life Duration of New Firms. *The Journal of Industrial Economics*, XLII(3): 227-245.
- [27] Nafziger, E. Wayne & Dek Terrell. (1996). Entrepreneurial Human Capital and the Long- Run Survival of firms in India. *World Development*, 24(4): 689-696.
- [28] Nenonen, T. & H. Littunen. (1998). The Survival of New Firms. School of Business and Economics Center for Economic Research. University of Jyvaskyla Finland.
- [29] Santarelli, E. (2000). The Duration of New Firms in banking: an Application of Cox Regression analysis. *Empirical Econometrics*, 25: 315-325.
- [30] Sharif, N., & Huang, C. (2012). Innovation strategy, firm survival and relocation: the case of Hong Kong-owned manufacturing in Guangdong Providence China. *Res Policy* , 41, 69-78.
- [31] Smith, D. M. (1966). A Theoretical Framework for Geographical Studies of Industrial Location. *Economic Geography*, 42(2): 95-113.
- [32] Spilling, O. R. (1996). Regional Variation of New Firm Formation: The Norwegian Case. *Entrepreneurship and Regional Development*, 8: 217-243.